

بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

پری چالاکی

استادیار دانشگاه ارومیه، agir_roj@yahoo.com

خدیجه بیکی

کارشناس ارشد حسابداری

جلال قاسمی وند

کارشناس ارشد حسابداری

چکیده

از آنجایی که حاکمیت شرکتی در جهت حفظ منافع تمام ذینفعان شرکت است لذا شرکت‌ها باید در جهت حفظ منافع دولت به‌عنوان یکی از ذینفعان خود هم حرکت کنند. لذا در این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداخته شده است. هم‌چنین برای نتیجه‌گیری بهتر، دو متغیر کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی نیز وارد مدل پژوهش شده است. برای این منظور، ۴۴ شرکت نمونه برای یک دوره شش ساله در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی چند متغیره بر اساس داده‌های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه معناداری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: شکاف مالیاتی، فرار مالیاتی، کیفیت حاکمیت شرکتی

مقدمه

در همه کشورها بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق اخذ مالیات تأمین می‌شود. درآمدهای مالیاتی نقش به‌سزایی در تأمین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند تا دولت را در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند. در کشورها سهم از کل درآمدهای عمومی متفاوت است. هنگامی که در سطح جامعه با رشد نقدینگی مواجه می‌شویم دولت می‌تواند با افزایش نرخ‌های مالیاتی موجبات کاهش نقدینگی و تورم را فراهم آورد و اگر رکود و کم‌حرکی و عدم رونق اقتصادی را در اقتصاد شاهد باشیم مسئولان می‌توانند با کاهش نرخ‌های مالیاتی شکوفایی اقتصاد را به جامعه برگردانند. بدین ترتیب مالیات می‌تواند یکی از ابزارهای مهم مالی و به‌عنوان سوپاپ اطمینان اقتصادی کارکردهای مطلوبی برای جامعه به همراه داشته باشد. همچنین مالیات نقش مهمی در توزیع عادلانه درآمد و توزیع مجدد ثروت دارد. دولت‌ها با اخذ مالیات از ثروتمندان و توزیع آنان در قالب کمک‌های بلاعوض و اعانات و پرداخت یارانه به افراد کم درآمد جامعه در برقراری عدالت اجتماعی نیز نقش مؤثری ایفا نمایند. در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه دستگاه مالیاتی کارایی لازم را ندارد و به‌این‌ترتیب زمینه فرار مالیاتی و به‌تبع آن شکاف مالیاتی در این کشورها مهیاست. شکاف مالیاتی شامل فرار مالیاتی، مالیات‌های معوق، خطاهای مؤدیان در اظهار پرداخت مالیات، خطای ممیزین در تشخیص و دریافت عوامل دیگری که منجر به عدم تمکین مالیاتی می‌شود (سیلوانی، ۱۳۸۱).

درآمدهای مالیاتی اشخاص حقوقی یکی از منابع مهم در ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور است و چون این اشخاص در قیاس با اشخاص حقیقی، دفاتر و اسناد معتبری برای تهیه صورت‌های مالی نگهداری می‌کنند، توجه به شیوه‌های محاسبه و تعیین و وصول آن‌ها ضروری است. در این میان، اجتناب مالیاتی^۱ و فرار مالیاتی^۲ در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است کم‌تر باشد؛ بنابراین، ازجمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها موردتوجه است، بحث شکاف مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. شکاف مالیاتی از دو بخش اصلی فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ناشی می‌شود. فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، درواقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین

1- Tax evasion

2- Tax gap

مالیاتی در جهت کاهش مالیات است؛ بنابراین، از آن جایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیش‌تر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است. عدم هماهنگی بین اصول پذیرفته‌شده حسابداری و قوانین مالیاتی، این فرصت را برای شرکت‌ها فراهم می‌نماید که به‌طور هم‌زمان سود دفتری‌شان را به سمت بالا و سود مشمول را به سمت پایین مدیریت کنند. رسوایی‌هایی اخیر حسابداری و فعالیت‌های پنهان‌سازی مالیاتی نشان می‌دهد که برخی شرکت‌ها تمایل دارند در گزارشگری متهورانه‌ای وارد شوند که هردوی سود دفتری و سود مشمول مالیاتشان را در یک دوره مالی تحت تأثیر قرار دهد. معمولاً اجتناب مالیاتی به‌عنوان تلاش یک شرکت برای حداقل کردن مالیات قابل پرداختش به طریق قانونی تعریف می‌شود، و معنی مشابهی با برنامه‌ریزی مالیاتی، مدیریت مالیات و اجتناب از پرداخت مالیات دارد که در حوزه‌های قانونی و اخلاقی توسط قانون‌گذاران مالیاتی پذیرفته‌شده است. اجتناب مالیاتی فرآیندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این‌رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند (گانسر و همکاران، ۲۰۱۳).

یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان شرکت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است. ضرورت حاکمیت شرکتی، از تضاد منافع مشارکت‌کنندگان (ذی‌نفعان) در ساختار شرکت ناشی می‌شود. تضاد منافع که از آن با عنوان مسئله نمایندگی یاد می‌شود، خود ناشی از دو علت عمده است؛ اول اینکه هر مشارکت‌کننده، اهداف و ترجیحات متفاوتی دارد و دیگر اینکه هر یک در مورد اقدامات، دانش و ترجیحات دیگری اطلاعات کاملی ندارد. بدیهی است این تفکیک با فرض نبود سازوکارهای مؤثر اجرایی حاکمیت شرکتی، زمینه اقدام مدیران در راستای منافع خود و نه منافع سهامداران را فراهم خواهد کرد (برل و مینز، ۱۹۳۲).

سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اطلاعاتی که شرکت‌ها برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان افشا می‌کنند، اثر می‌گذارد و احتمال افشا نشدن کامل و مطلوب اطلاعات را کاهش می‌دهد (لوبو، ۲۰۰۷).

بهبود کیفیت افشای شرکت، سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نیز مدیریت سود کم‌تر را به همراه دارد (نوروش و حسینی، ۱۳۸۷). سازوکارهای حاکمیت شرکتی با ارزش ایجاد شده برای سهامداران، رابطه مستقیمی دارد (برادران حسن‌زاده، بادآورنهدی و بابایی، ۱۳۹۱) و اثر کاهنده‌ای بر هزینه بدهی شرکت می‌گذارد (احمد پور، کاشانی پور و شجاعی، ۱۳۹۰) و دارای رابطه معکوس با عدم تقارن اطلاعاتی است (رحیمیان، صالح نژاد و سالکی ۱۳۸۹) در نتیجه می‌توان انتظار داشت، ضمن رعایت حقوق کلیه ذی‌نفعان از جمله دولت، شکاف مالیاتی نیز در این شرکت‌ها کم‌تر شود. یکی از راهکارهای عملیاتی برای کاهش مشکلات نمایندگی، تدوین آیین‌نامه‌ای برای اعمال حاکمیت شرکتی مناسب است که در سال‌های اخیر کشور ما نیز به آن توجه می‌کند. یکی از فواید این آیین‌نامه، رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر ساختار حاکمیت شرکتی است. در واقع آیین‌نامه‌ای که به‌واسطه اجرای آن بتوان کیفیت حاکمیت شرکتی را افزایش داد. لذا در این پژوهش شرکت‌ها را بر اساس ۶۹ عامل استخراج شده از آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۸۶، ارزیابی نموده و تأثیر آن را بر شکاف مالیاتی ارزیابی می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی درباره رابطه بین حاکمیت شرکتی و مالیات تاکنون انجام شده است ولی تاکنون هیچ پژوهش تجربی در مورد رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی صورت نگرفته است. لذا در ادامه پژوهش‌های مشابه و سایر پژوهش‌ها در زمینه کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی ارائه می‌گردد:

ایزدی نیا و رسائیان (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که فاقد معیارهای مزبور هستند، وجود ندارد.

عرب مازار و طالب نیا و وکیلی فرد و صمدی (۱۳۹۰) به تبیین رابطه بین شفافیت و گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است؛ به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد.

خدای پور و ترک زاده (۱۳۹۰) رابطه بین مالیات و محافظه کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. نمونه مورد بررسی آن‌ها متشکل از ۱۲۳ شرکت در یک دوره ۵ ساله بود. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آن‌ها بسیار بزرگ‌تر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، محافظه کاری بیش‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، اما در مورد شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آن‌ها بسیار کوچک‌تر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، نمی‌توان گفت که محافظه کاری کم‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد که مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری را که شرکت‌ها ارائه می‌کنند کاهش نمی‌دهد، بلکه باعث مرتبط‌تر شدن اطلاعات نیز می‌گردد.

خدای پور و امینی (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی در شرکت‌های پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. هم‌چنین بین سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تأثیر معناداری ندارد.

دی آنجلو و مازولیس (۱۹۸۰) در ارتباط با تأثیر مالیات بر ساختار سرمایه بیان می‌دارند که بسته به توازن موجود بین منافع مالیاتی ناشی از ایجاد بدهی و پیامدهای مالی مربوط، می‌توان ساختار سرمایه مطلوب را تعیین نمود. شرکت‌هایی که منافع

مالیاتی ناشی از ایجاد بدهی آنها کمتر از هزینه‌های ریسک مالی ناشی از ایجاد بدهی باشد، کم‌تر به تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی می‌پردازند.

دیرنگ و هانلون و مایدو (۲۰۱۰)، در پژوهش خود از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت برای آزمون میزان اجتناب از مالیات شرکت‌ها در طی دوره ۱۰ ساله استفاده کردند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که اختلاف مقطعی قابل ملاحظه‌ای در اجتناب از پرداخت مالیات توسط شرکت‌ها وجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد شرکت‌ها توانایی این را دارند که نرخ مؤثر مالیاتی نقدی را زیر ۲۰ درصد نگه دارند.

چن و چن و چنگ و شولین (۲۰۱۰) دریافتند که مالکیت خانوادگی می‌تواند خط مشی مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی کم‌تر از شرکت‌هایی که دارای مالکیت خانوادگی نیستند، سیاست متهورانه پیرامون مالیات اتخاذ کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که مالکان خانوادگی تمایل دارند جهت جلوگیری از کاهش ارزش سهام شرکت که از نگرانی سهامداران اقلیت پیرامون ریسک ناشی از فعالیت‌های مالیاتی نشأت می‌گیرد، از مدیریت مالیات اجتناب نمایند.

آرمسترانگ و بلوین و لارکر (۲۰۱۲) در پژوهشی به تبیین مشوق‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده شده ارتباطی ضعیف وجود دارد.

باسام در سال ۲۰۱۴ به بررسی شاخص‌های افشای حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها در عربستان پرداخت. که یافته‌های پژوهش وی حاکی از وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های افشای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها است.

با نظر به پژوهش‌ها انجام شده تاکنون در زمینه کیفیت حاکمیت شرکتی و مالیات ملاحظه می‌نماییم که به اجزای کیفیت حاکمیت شرکتی به‌گونه‌ای که در این پژوهش آمده، توجه نشده است و هریک از پژوهش‌های انجام شده تنها بخش کوچکی از آن را شامل می‌شود. پس در اینجا ما این نیاز را حس کردیم تا به بررسی کلی کیفیت حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر شکاف مالیاتی که هم دربرگیرنده فرار و هم اجتناب مالیاتی است، بپردازیم.

هدف از انجام این پژوهش یافتن پاسخ به این سوال است که آیا بین حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد؟ به این منظور فرضیه پژوهش بدین صورت شکل می‌گیرد:

بین کیفیت حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل تحقیق حاضر کیفیت حاکمیت شرکتی (CG) است که طبق آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۸۶ و همچنین بر اساس مقاله حساس یگانه (۱۳۸۵)، این متغیر کیفی از ۶۹ عامل زیر اندازه‌گیری می‌شود. به طوری که اگر هر یک از عوامل مصداق داشته باشند کد یک و در غیر این صورت کد صفر لحاظ خواهد شد. در پایان از روش شناسی کدگذاری و انباشت کدها به منظور عملیاتی کردن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود. براساس این متدولوژی به هر کدام از عوامل شصت و نه گانه حاکمیت شرکتی امتیاز صفر یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده) اختصاص یافته است که از جمع زدن این امتیازها، نمره حاکمیت شرکتی را براساس درصد محاسبه می‌کنیم. این شصت و نه مورد به ۷ زیرمجموعه، شامل هیأت مدیره، کمیته‌های هیأت مدیره، افشا و شفافیت، کنترل‌های داخلی و حقوق سهامداران تقسیم می‌شود که در جدول زیر عوامل تعیین کننده کیفیت حاکمیت شرکتی و امتیازات مربوط به هر زیرمجموعه از این عوامل آورده شده است.

جدول ۱- عوامل کیفیت حاکمیت شرکتی در ایران

عنوان	عوامل مربوطه
	۱. آیا نقش رئیس و مدیر عامل شرکت‌ها از هم تفکیک شده است؟
	۲. آیا رییس هیأت مدیره مستقل است؟
	۳. آیا اکثریت مدیران غیر اجرایی هستند
	۴. آیا مدیران به وضوح به اجرایی و غیر اجرایی طبقه بندی شده‌اند؟
	۵. آیا بیوگرافی هیأت مدیره افشا شده است؟

عنوان	عوامل مربوطه	
(۱) هیأت مدیره	۶. آیا عضویت هیأت مدیره در مدیریت دیگر شرکت‌ها افشا شده است؟	
	۷. آیا هیأت مدیره به عنوان عضو هیأت مدیره بیش از پنج شرکت‌های ذکر شده فعالیت نمی‌کنند؟	
	۸. آیا تمام جلسات هیأت مدیره افشا شده است؟	
	۹. آیا سوابق جلسات شخصی هیأت مدیره افشا شده است؟	
	۱۰. آیا تعداد اعضای هیأت مدیره به حداقل تعداد مقرر در پیش نویس آیین نامه راهبری شرکتی (۷ نفر) رسیده است؟	
	۱۱. آیا اعضای هیأت مدیره حداقل تعداد سهامی را که باید تا پایان همکاری در اختیار داشته باشند، دارا هستند؟	
	۱۲. آیا دستور کار جلسات هیأت مدیره قبل از برگزاری جلسات در اختیار مدیران قرار می‌گیرد؟	
	۱۳. آیا اعضای هیأت مدیره برای دوره ۲ ساله انتخاب می‌شوند؟	
	۱۴. آیا هیأت مدیره طرح‌های استراتژیک شرکت و مسائل پیش روی شرکت را در سال، حداقل در یک جلسه مورد بررسی قرار می‌دهد؟	
	۱۵. آیا برنامه‌هایی برای آموزش مستمر کلیه اعضای هیأت مدیره در سال تدوین می‌شود؟	
	۱۶. آیا مدیران شرکت تحت پوشش بیمه مسئولیت برای پرداخت غرامت‌های احتمالی، قرار دارند؟	
	جمع امتیاز بخش ۱	۱۶
	(۲) کمیته حسابرسی	۱. آیا کمیته تأسیس شده است؟
		۲. آیا صلاحیت کمیته افشا شده است؟
۳. آیا کمیته از تعداد کافی از مدیران غیرموظف تشکیل شده است؟		

عنوان	عوامل مربوطه	
جمع امتیاز بخش ۲	۴. آیا هویت رییس هیأت مدیره کمیته افشا شده است؟	
	۵. آیا رییس کمیته مستقل است؟	
	۶. آیا کمیته حداقل ۵ عضو دارد؟	
	۷. آیا هویت اعضای کمیته افشا شده است؟	
	۸. آیا جلسات کمیته افشا شده است؟	
	۹. آیا سوابق جلسات کمیته افشا شده است؟	
	۱۰. آیا اعضای کمیته حسابرسی در کم تر از ۳ کمیته حسابرسی شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس فعالیت دارند؟	
	۱۱. آیا کمیته حداقل ۶ بار در سال جلسه تشکیل می‌دهد؟	
	۱۱	
	(۳) کمیته مدیریت ریسک	۱. آیا کمیته تاسیس شده است؟
		۲. آیا صلاحیت کمیته افشا شده است؟
۳. آیا کمیته از تعداد کافی از مدیران غیرموظف تشکیل شده است؟		
۴. آیا همویت رییس کمیته افشا شده است؟		
۵. آیا رییس کمیته مستقل است؟		
۶. آیا هویت اعضای کمیته افشاشده است؟		
۷. آیا جلسات کمیته افشاشده است؟		
۸. آیا سوابق جلسات کمیته افشا می‌شوند؟		
۹. آیا بعد از هر جلسه کمیته، نتایج جلسه به جلسه بعدی هیأت مدیره گزارش می‌شود؟		
۱۰. آیا کمیته حداقل ۳ عضو دارد؟		
۱۱. آیا کمیته حداقل ۴ بار در سال جلسه تشکیل می‌دهد؟		
۱۲. آیا کمیته، خطرات پیش روی شرکت را افشا می‌کند؟		

عنوان	عوامل مربوطه
	۱۳. آیا شرکت دارای روش‌های کنترل روشن برای مدیریت ریسک است؟
جمع امتیاز بخش ۳	۱۳
(۴) کمیته جبران خدمات یا حقوق و مزایا	۱. آیا کمیته تاسیس شده است؟
	۲. آیا صلاحیت کمیته افشاشده است؟
	۳. آیا کمیته حداقل ۵ عضو دارد؟
	۴. آیا هویت رئیس کمیته افشاشده است؟
	۵. آیا رئیس کمیته مستقل است؟
	۶. آیا هویت اعضای این کمیته افشاشده است؟
	۷. آیا جلسات کمیته افشاشده است؟
	۸. آیا سوابق جلسات کمیته افشاشده است؟
	۹. آیا کمیته در سال حداقل، ۴ جلسه تشکیل می‌دهد؟
جمع امتیاز بخش ۴	۹
(۵) افشا و شفافیت	۱. آیا ساختار مالکیت شرکت افشاشده است؟
	۲. آیا جزئیات پاداش هیأت مدیره افشاشده است؟
	۳. آیا وام‌های شرکت افشا شده است؟
	۴. آیا عملکرد شرکت افشاشده است؟
	۵. آیا اهداف و استراتژی‌های شرکت افشا شده‌اند؟
	۶. آیا فعالیت‌های اصلی شرکت افشا شده‌اند؟
	۷. آیا سیاست‌های تقسیم سود افشا شده‌اند؟
	۸. آیا معاملات با اشخاص وابسته افشاشده است؟
	۹. آیا موارد استثناء از پیش نویس آیین نامه راهبری شرکتی افشا شده است؟
جمع امتیاز بخش ۵	۹

عنوان	عوامل مربوطه
(۶) کنترل‌های داخلی	۱. آیا نتیجه حسابرسی اثر بخش بودن سیستم کنترل های داخلی شرکت، افشا شده است؟
	۲. آیا صورت‌های مالی توسط هیأت مدیره و مدیرعامل امضا می‌شود؟
	۳. آیا شرکت بیانیه‌ای در مورد خروج از استانداردهای حسابداری تهیه می‌کند؟
	۴. آیا شرکت پیش نویسی برای حاکمیت شرکتی فراهم می‌نماید؟
جمع امتیاز بخش ۶	۴
(۷) حقوق سهام داران و مجمع عمومی	۱. آیا مجمع عمومی حداقل سالی یکبار تشکیل می‌شود؟
	۲. آیا دستور کار مجمع در وب سایت شرکت منتشر شده است؟
	۳. آیا سهامداران می‌توانند شخص دیگری را ب جای خود در جلسات مجمع عمومی بفرستند؟
	۴. آیا تاریخ تشکیل مجمع را از قبل آگهی می‌نمایند؟
	۵. آیا نتایج نشست بلافاصله به اطلاع سایت بورس اعلام می‌شود؟
	۶. آیا مجمع در ظرف ۶ ماه بعد از پایان سال مالی تشکیل می‌شود؟
	۷. آیا شرکت مشارکت‌های اجتماعی اش را افشامی کند؟
جمع امتیاز بخش ۷	۷
جمع کل	۶۹

متغیر وابسته

شکاف مالیاتی

این متغیر از اختلاف بین مالیات ابرازی (اظهار شده) و مالیات تعیینی (قطعی)، به دست می‌آید. به منظور تعدیل کردن این متغیر برای کلیه شرکت‌ها با ویژگی‌های مختلف، به صورت درصدی به دست آورده شده است و از رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$TG = \frac{\text{مالیات ابرازی} - \text{مالیات تعیینی}}{\text{مالیات تعیینی}} \times 100$$

متغیر کنترلی

اندازه شرکت: اندازه شرکت متغیری است که میزان در دسترس بودن اطلاعات را نشان می‌دهد. به بیان دیگر اطلاعات شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک در

دسترس همگان قرار دارد. این موضوع سبب کاهش مسئله عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های بزرگ می‌شود و نوع مدیریت سود توسط مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیرگی، ۲۰۰۹) از آنجا که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران، شرکت‌های بزرگ‌تر را با دقت بیشتری بازبینی می‌کنند و کم‌تر به مدیریت سود می‌پردازند، بنابراین مدیران چنین شرکت‌هایی، تمایل بیشتری برای انتشار اطلاعات دارند (لبوو و ژوو، ۲۰۰۱). و انتظار می‌رود شکاف مالیاتی در آنها کم‌تر باشد.

اهرم مالی: این متغیر نشان می‌دهد چه بخشی از دارایی‌ها از محل بدهی‌ها یا حقوق صاحبان سهام تأمین مالی شده است. ساختار بدهی شرکت می‌تواند یک عامل مؤثر در مدیریت سود تلقی شود. در نتیجه انتظار می‌رود شرکت‌هایی که حجم بالایی از دارایی‌های خود را از محل بدهی تأمین کرده‌اند، اطلاعات حسابداری با کیفیتی را گزارش نکنند، منابع شرکت را هرچه بیشتر حفظ کرده و در آینده از میزان بدهی‌های خود بکاهند و در نتیجه میزان شکاف مالیاتی در آنها بیشتر شود. در این پژوهش از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها برای محاسبه اهرم مالی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

بررسی آمار توصیفی

برای بررسی مشخصات عمومی و پایه‌ای متغیرها جهت برآورد و تخمین مدل‌ها و بررسی آن‌ها، ابتدا از شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرها استفاده می‌شود. نتایج مربوط به مقدار شاخص‌های توصیفی متغیرها در جدول (۴-۱) گزارش شده است. یکی از مهم‌ترین استفاده‌ای که می‌توان از جدول آمار توصیفی داشت، قضاوت در مورد نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها است. تست چاک‌برا آزمونی است که برای این بررسی بیش‌تر عمومیت دارد. این آماره نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال نمی‌باشند؛ زیرا با توجه به احتمال مربوطه ($P\text{-value} < 0.05$) فرض صفر آزمون مبنی بر نرمال بودن داده‌ها رد می‌شود. بین متغیرهای پژوهش حاکمیت شرکتی با انحراف معیار ۰.۰۶ کم‌ترین پراکندگی را داشته لذا متمرکزتر بوده و از دقت بیش‌تری برخوردار است و اندازه شرکت با انحراف معیار ۱.۴۵ نسبت به متغیرهای دیگر پراکنده‌تر بوده و از دقت کم‌تری برخوردار است.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	ماکسیمم	مینیمم	انحراف معیار	مقدار چاک برا	احتمال	تعداد مشاهدات
شکاف مالیاتی	۰.۲۲۸۷	۰.۲۰۴۷	۱	-۷.۳۳	۰.۸	۳۵۲۰۵.۳۲	۰.۰۰۰۱	۲۶۲
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰.۲۲۳۸	۰.۲۱۷۳	۰.۴۹	۰.۰۸۶	۰.۰۶	۳۹.۷۸۷	۰.۰۰۰۱	۲۶۲
اهرم مالی	۰.۶۳۰۴	۰.۶۳۷۵	۰.۸۶	۰.۱۴	۰.۱۸	۶۶.۳۱۳	۰.۰۰۰۱	۲۶۲
اندازه شرکت	۲۷.۲۵۵۰	۲۷.۳۳۶۶	۳۱.۰۲	۲۴.۵۶	۱.۴۵	۶۶.۴۳۴۳	۰.۰۰۰۱	۲۶۲

- بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

جدول ۳- بررسی مانایی متغیرها

متغیرها	لیون، لین و چوی		نتیجه
	مقدار آماره	احتمال آماره	
شکاف مالیاتی	۱۰.۷۳۷۲	۰.۰۰۰۱	عدم رد مانایی
کیفیت حاکمیت شرکتی	۶.۱۴۵۱	۰.۰۰۰۱	عدم رد مانایی
اهرم مالی	۷.۵۲۵۸	۰.۰۰۰۲	عدم رد مانایی
اندازه شرکت	۸.۵۸۵۵	۰.۰۰۰۱	عدم رد مانایی

به کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد مدل بر این فرض استوار است که متغیرهای الگو مانا هستند، برای بررسی مانایی هر یک از متغیرها از آزمون لیون، لین و چوی استفاده کرده‌ایم. در این آزمون اگر احتمال آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ باشد مانا بودن داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. نتایج مانایی متغیرهای پژوهش به‌طور مختصر در جدول ۴-۲ ارائه شده است. تمامی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند. در نتیجه با توجه به مانا بودن متغیرها نیازی به بررسی مانایی بلندمدت متغیرهای تحقیق نمی‌باشد.

۴-۲-۳- بررسی همبستگی متغیرهای توضیحی پژوهش

جدول ۴- نتایج همبستگی متغیرها با استفاده از آزمون اسپیرمن

متغیرها	حاکمیت شرکتی	اهرم مالی	اندازه شرکت
حاکمیت شرکتی	۱		
اهرم مالی	-۰.۲۵۶۹	۱	
اندازه شرکت	۰.۶۵۴۲	۰.۳۶۵۸	۱

پس از توصیف آماری داده‌ها و بررسی پایایی متغیرهای تحقیق، رابطه‌ی همبستگی بین متغیرهای تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. تحلیل همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه‌ی رابطه‌ی یک متغیر کمی با یک متغیر کمی دیگر است. به‌طور کلی ضرایب همبستگی بین -۱ تا +۱ تغییر می‌کنند و رابطه بین دو متغیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. ضریب همبستگی یک رابطه متقارن می‌باشد، هرچه ضریب همبستگی به یک نزدیک باشد میزان وابستگی دو متغیر بیشتر می‌باشد و بالعکس. بیشتر بودن ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل در یک مدل باعث مخدوش شدن نتایج رگرسیون می‌شود.

۴-۲-۴- آزمون F لیمر برای تشخیص تلفیقی یا ترکیبی بودن فرضیه‌های پژوهش

جدول ۵- نتایج آزمون F

فرضیه‌ها	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	مقدار آماره	احتمال آماره	روش	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه
فرضیه اول	۴.۶۰۶۷	۰.۰۰۰۱	تابلویی	۱۴۹.۴۲۳۱	۰.۰۰۰۱	رد الگوی اثرات تصادفی

به‌منظور تشخیص از بین الگوی داده‌های ترکیبی یا تابلویی، از آزمون تشخیصی F لیمر استفاده شد که نتایج آن نشان‌دهنده مدل تابلویی است. از آنجاکه در الگوهای تابلویی، باید نوع الگو از بین اثرهای ثابت و تصادفی مشخص شود، آزمون هاسمن اجرا شد که نتایج آن نشان‌دهنده انتخاب الگوی اثرات ثابت است. نتایج این دو آزمون در جدول ۴-۴ نشان داده شده است.

۴-۲-۵- آزمون ناهمسانی فرضیه‌های پژوهش

جدول ۶- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس‌ها

متغیرها	آزمون ناهمسانی واریانس‌ها		
	F	P-Value	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۵۸۸.۲۸	۰.۰۰۰۱	ناهمسانی دارد

یکی دیگر از فروض کلاسیک که باید قبل از اجرای آزمون نهایی فرضیه‌ها مورد بررسی قرار بگیرد، آزمون ناهمسانی واریانس‌ها می‌باشد. که برای این منظور از آزمون از برنامه STATA استفاده کرده‌ایم که فرض یک آزمون، نشان دهنده ناهمسانی واریانس و الزام به استفاده از EGLS برای تخمین مدل و فرض صفر مبتنی بر رد ناهمسانی و استفاده از OLS می‌باشد. نتایج آزمون در جدول ۴-۵ آورده شده است. از آنجایی که فرضیه پژوهش مشکل ناهمسانی دارد لذا برای تخمین مدل از روش EGLS استفاده خواهیم نمود.

۴-۲-۶- آزمون خودهمبستگی فرضیه‌های پژوهش

جدول ۷- نتایج آزمون خودهمبستگی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	آزمون خودهمبستگی		
	F	P-Value	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۱۴.۷۸۹	۰.۰۰۰۲	خودهمبستگی دارد

یکی دیگر از مراحل فرآیند پنل دیتا قبل از آزمون‌های نهایی فرضیه‌های پژوهش، بررسی خودهمبستگی مدل‌های طراحی شده است. فرض صفر آزمون خودهمبستگی، مبتنی بر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد. که برای آزمون فرض عدم خودهمبستگی از آزمون وولدریج در STATA استفاده شد، نتایج این آزمون که در جدول ۴-۶ آمده نشان می‌دهد در فرضیه‌ی پژوهش خودهمبستگی وجود دارد که برای رفع مشکل خودهمبستگی از الگوی اثرات ثابت بادر نظر گرفتن پارامتر AR(1) جهت آزمون فرضیه‌ی پژوهش در مدل نهایی رگرسیون استفاده می‌شود. پس از بررسی فروض کلاسیک در ادامه به دنبال آزمون نهایی فرضیه‌ی پژوهش می‌رویم.

- آزمون نهایی فرضیه‌ی پژوهش

فرضیه: کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر شکاف مالیاتی دارد.

مدل مربوط به فرضیه:

$$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 CG_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BETA_{it} + \varepsilon_{it}$$

با توجه به جداول (۴-۶ و ۴-۷) مدل فرضیه اول پژوهش دارای مشکل ناهمسانی و خودهمبستگی است، به عبارتی باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) و الگوی اثرات ثابت بادر نظر گرفتن پارامتر AR(1) جهت آزمون فرضیه اول استفاده کرد.

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه

متغیرها	ضرایب	مقدار آماره	احتمال آماره
کیفیت حاکمیت شرکتی	-۰.۷۳۷	-۲.۸۳۳	۰.۰۰۵۰
ریسک سیستماتیک	۰.۰۰۴	۰.۲۷۰۸	۰.۷۸
اهرم مالی	۰.۵۶۵۸	۳.۸۱۱۳	۰.۰۰۰۲
اندازه شرکت	۰.۰۰۴۰	۰.۱۶۵۴	۰.۸۶
متغیر ثابت	-۰.۳۸۱۳	-۰.۵۱۸۵	۰.۶۰
متغیر مجازی AR(1)	۰.۵۴۳۷	۱۰.۴۱۷۳	۰.۰۰۰۱
ضریب تعیین		۰.۴۳	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۱	
آماره دوربین واتسون		۲.۰۶	
آماره F		۳۱.۸۵۲۶	
احتمال آماره F		۰.۰۰۰۱	

نتایج مربوط به احتمال آماره F (۰.۰۰۰۱) نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۲.۰۶)، مشکل خود همبستگی آن رفع شده است. علاوه بر آن نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در دوره پژوهش ۰.۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترل این آزمون بوده است.

نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی براساس ضریب رگرسیونی -۰.۷۳۷ و احتمال ۰.۰۰۵، تأثیر منفی و معنادار بر شکاف مالیاتی دارد. این بدان معنی

است که اگر کیفیت حاکمیت شرکتی تغییر کند شکاف مالیاتی با ضریب ۰.۷۳۷- تغییر خواهد کرد. همچنین تأثیر متغیر کنترلی اهرم مالی با احتمال ۰.۰۰۰۲ و ضرایب ۰.۵۶ بر روی شکاف مالیاتی مثبت و معنادار است.

نتایج نهایی

در این پژوهش، به دنبال بررسی رابطه بین شکاف مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی هستیم که به این منظور پس از جمع‌آوری داده‌های مربوط به ۴۴ شرکت از بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتیم که کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر معناداری بر شکاف مالیاتی دارد. لذا در صورتی که در شرکت‌ها، حاکمیت شرکتی به‌درستی اجرا و اعمال گردد، از نتایج آن می‌تواند کاهش شکاف مالیاتی باشد. با توجه به اینکه معیارهای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی در این پژوهش از آیین نامه نظام راهبری شرکتی مصوب بورس اوراق بهادار استخراج شده است، لذا به نهادهای مربوطه پیشنهاد می‌شود در تدوین مقررات از موارد ذکر شده در این پژوهش هم بهره ببرند همچنین توصیه می‌شود در تدوین آیین نامه‌های مربوط بیشتر به محتوا و اثربخش بودن مؤلفه‌های آن توجه شود تا به شکل آنها.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- ۱- از آنجایی که در این پژوهش، شرکت‌ها بر اساس صنعت از یکدیگر تفکیک نشده‌اند، بنابراین پیشنهاد می‌گردد که جهت پژوهش‌های آتی، به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر روی شکاف مالیاتی به تفکیک صنایع مختلف صورت گیرد.
- ۲- بررسی هر یک از عوامل حاکمیت شرکتی به صورت جداگانه و بررسی تأثیر تک تک آنها بر شکاف مالیاتی.

فهرست منابع

- پژویان، جعفر. ۱۳۸۰. اقتصاد بخش عمومی (مالیات). انتشارات جنگل تهران.
- سید نورانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. فرار از پرداخت مالیات و رشد اقتصادی در ایران. مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی ایران. تهران
- عسکری، علی. ۱۳۹۲. اصلاحات مالیاتی کالبد شکافی در ایران است. مجله مالی و سیاست‌های اقتصادی. دوره ۱(۲): ۸۵-۱۲۰.

نوروش، ایرج و ابراهیمی کردلر، علی. ۱۳۸۴. بررسی و توضیح رابطه بین سهامداران با عدم تقارن اطلاعات و سودمندی استانداردهای حسابداری. مجله حسابداری و حسابرسی پژوهشی. شماره (۴۸): ۹۷-۱۲۴.

نمازی، محمد و رستمی، نورالدین. ۱۳۸۶. بررسی رابطه بین نسبت‌های مالی و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری و حسابرسی تحقیقات. شماره (۴۴): ۱۰۵-۱۲۷.

خدای پور، احمد و ترک زاده، علی. ۱۳۹۰. رابطه بین محافظه کاری حسابداری مالیاتی و در گزارشگری مالی و اطلاعات مرتبط. مجله‌های مالی پژوهش حسابداری. دوره ۳(۳): ۱۲۷-۱۴۵.

حساس یگانه، یحیی و مرادی، محمد و هدی، اسکندر. ۱۳۸۷. رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش‌های سازمانی. مجله حسابداری و حسابرسی تحقیقات. دوره ۱۵(۵۲): ۱۰۷-۱۲۳.

ایزدی نیا، ناصر و رسائیان، امیر. ۱۳۸۷. رابطه بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌ها در ایران. مجله بولتن از مالیات. دوره ۱۷(۴): ۳۱-۴۴.

باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. ۱۳۸۹. رابطه بین حاکمیت شرکتی و مالیات بر شرکت‌ها. مجله پژوهش حسابداری مالی. دوره ۳(۲): ۶۵-۸۶.

عرب مازار، علی اکبر و وکیلی فرد، حمیدرضا و صمدی، محمود و طالب نیا، قدرت الله. ۱۳۹۰. ارتباط بین شفافیت و گزارشگری مالی و گزارش‌های مالیاتی در ایران. مجله حسابداری و حسابرسی تحقیقات. دوره ۹(۳): ۲۲-۳۷.

محمدی، شاپور و قالیباف اصل، حسن و مشکی، مهدی. ۱۳۸۸. تأثیر ساختار مالکیت بر کارایی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات مالی. دوره ۸(۱۱): ۶۹-۸۸.

خدای پور، احمد و امینی نیا، میثم. ۱۳۹۲. ارتباط اجتناب از مالیات و هزینه بدهی و تأثیر بر رابطه بین مالکیت نهادی. بولتن مالیاتی. دوره ۲۱(۱۹): ۱۳۵-۱۵۶.

Desai, M.A., Dharmapala, D (2006). Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, (79): 145-179.

- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T (2010). Are Family Firm more Tax Aggressive than Non-family Firm. *Journal of financial Economics* (20): 267-292
- Hanlon, M., & S.Heitzman (2009). A Review of Tax Research. Working Paper. Massachusetts Institute of Technology.
- Graham, J.R., & Tucker, A.(2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. 81, 563-594.
- Lim, Y.D.(2011). Tax Avoidance, Cost of Debt and Shareholder Activism: Evidence from Korea., 456-470.
- Lim, Y.D.(2010). Tax Avoidance and Underleverage: Korean Evidence. Working Paper. University of New South Wales
- Rego, S.O.(2003). Tax-avoidance Activities of U.S. Multinational Corporation Contemporary. *Jurnal of Accounting Research* (20): 805-833.
- Sibilkov, Valeriy, 2005. Asset Liquidity and Capital Structure, working paper: <http://papers.ssrn.com>.
- Wang, Y.(2012). Competition and Tax Evasion: A Cross Country Study. *Jurnal of Economic Analysis & Policy*, (42): 198-208
- Jensen, M., & Meckling, W.(1976). Theory of the Firm, Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, (3): 305-360
- Wilson, R.J (2009). An Examination of Corporate Tax Shelter Participation. *Accounting Review*, (84) 969-99
- Wang (2010). Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. Working Paper.
- Shleifer, A., Vishny, R (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, (94): 461-488.
- DeAngelo, H.& R.W.Masulis, (1980). Optimal capital structure under corporate and personal taxation, *Journal of Financial Economics* 8, 3-29
- Armstrong, S,C.Blouin, L,J.Larker, F.D.(2012). The Incentives for Tax Planing. *Journal of Accounting and Economics*, (53): 391-411.
- Dyreg, S.D., Hanlon, M., Maydew, E.L (2010). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Working Paper
- Desai, M.A., Dharmapala, D.(2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, (91): 537-546.